

## تأثیر معماری ایران بر بناهای آرامگاهی در عصر سلجوقیان رم\*

ندا بلانیان<sup>۱</sup> - حسین سلطانزاده<sup>۲\*</sup> - شروین میرشاهزاده<sup>۳</sup>

۱. دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. دانشیار معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
۳. استادیار معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۹/۱۶ تاریخ اصلاحات: ۹۵/۰۱/۱۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۵/۰۳/۱۹ تاریخ انتشار: ۹۸/۰۶/۳۰

## چکیده

ایران در طول تاریخ اسلام و به‌خصوص عصر سلجوقی همواره یکی از مراکز اصلی هنر اسلامی بوده است. از سوی دیگر عثمانی‌ها در زمینه معماری با الهام از هنر ایران و بیزانس، گام‌های بزرگی برداشته‌اند. به‌دلیل همجواری ایران و عثمانی و نیز تبادلات فرهنگی و وجوه مشترک حکومتی، هنر و معماری این دو سرزمین از یکدیگر ایده گرفته و تشابهاتی دارند. هدف مقاله بررسی تطبیقی شاخصه‌ها و عناصر معماری بناهای یادمانی و آرامگاهی ساخته شده در عصر سلجوقیان رم که الهام گرفته شده از بناهای آرامگاهی و مساجد ایرانی می‌باشند، بوده است. چارچوب نظری پژوهش، بر این دیدگاه استوار است که فضاهای معماری در گذشته از پدیده‌های فرهنگی تأثیر می‌پذیرفتند و همچنین تبادل فرهنگی بر شکل‌گیری آن‌ها نقش داشته است. روش تحقیق این پژوهش، روش تحقیق تاریخی - تفسیری بوده و به بررسی، مطالعه و مقایسه ترکیب حجمی بنا، نوع تزیینات و نقوش کاشی‌کاری بناهای آرامگاهی سلجوقی رم و بناهای ایرانی عصر سلجوقی می‌پردازد تا بیانگر تأثیر فرهنگ و تبادل فرهنگی در معماری شود. یافته‌های این پژوهش بر این نکات تأکید دارند که هنر و معماری سلاجقه روم قبل از حضور ایرانیان متأثر از هنر دمشق بوده است؛ اما با آمدن هنرمندان ایرانی و بخش‌هایی از معماری با نقوش و تزیینات ایرانی ساخته می‌شد. تعامل میان ایرانیان و حاکمان سلجوقی روم و شرایط مناسب فراهم شده توسط آنان باعث شد ایرانیان به همراه خود فرهنگ، آداب و رسوم و نشانه‌های بارزی از علم و هنر و دانش رایج در ایران عصر سلجوقی را رواج دادند.

واژگان کلیدی: بناهای آرامگاهی، تبادل فرهنگی، معماری، تزیینات، سلجوقیان ایران، سلجوقیان روم.

\* این مقاله از رساله دکتری معماری نویسنده اول با عنوان «بازشناسی ویژگی‌های معماری ایران و بازتاب آن در معماری عثمانی» استخراج شده که با راهنمایی نویسنده دوم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز انجام پذیرفته است.

\*\* E\_mail: hos.soltanzadeh@iauctb.ac.ir

## ۱. مقدمه

انسان در رابطه با فضا، زیبایی‌شناسی و فرهنگ. به همین سبب خصوصیات فرهنگی هر عصری را می‌توان در معماری آن شناخت؛ زیرا معماری تحت تأثیر شرایط متفاوت یک دوره به‌وجود می‌آید (مثل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و غیره) و به محض به‌وجود آمدن می‌تواند مستقل و زنده شناخته شود و صفاتی مخصوص را به خود بگیرد.

پوپ با نگاهی چند جانبه به معماری می‌نگرد و چنین می‌گوید: معماری نمایش فرهنگ آن زمان با گذشته‌هاست که ارزش‌های فرهنگی پذیرفته شده را خوب یا بد نشان می‌دهد (Pope, 1987, p. 74). فرهنگ و تمدن‌های مشرق زمین از جمله تمدن‌های تأثیرگذار در فرهنگ و به دنبال آن معماری دیگر کشورها می‌باشد. شیلابلر<sup>۱</sup> و جانانان بلوم<sup>۲</sup> در کتاب ارزشمند خود، «هنر و معماری اسلامی» با اختصاص بخشی تحت عنوان تأثیر هنر اسلامی از تداوم تأثیرپذیری معماری اروپا از معماری اسلامی، سخن می‌گویند (Blair & Jonathan, 2002, p. 345). به گفته گرابار<sup>۳</sup>، عالم شرق‌شناسان فراتر از ملت‌هاست. شرق‌شناسی، ملیت محور نیست و به فرهنگ‌ها نظر دارد نه ملت‌ها. تعاریف شرق‌شناسان از فرهنگ‌ها بسیار روشن‌تر است. زیرا گاه زبانی است (عرب زبان، فارس زبان و ترک زبان)، گاه قومی است (کرد و بربر، غیره)، گاه دینی و مذهبی است (سنی و شیعه) و گاهی هم تاریخی (عباسیان، امویان و غیره و گاه نیز جغرافیایی (آسیای مرکزی، مصر، غرب) (Grabar, 1999, p. 6).

آندره گدار<sup>۴</sup>، از جمله مورخان برجسته تاریخ هنر اسلامی، شکل‌گیری هنر اسلامی را بیش از آن که مبتنی بر فرم و تکنیک بدانند، مبتنی بر فکر می‌داند. وی بر این باور است که امروزه دیگر هنر را نباید از منظر مصالح یا سنگ و آجر یا مهارت و تردستی صنعت‌کار نگریست، بلکه آن فکر و روح اجتماع ملت است که آثار هنری یا سبک و اسلوب خاص را می‌آفریند. آندره گدار معماری اسلامی را به ویژه در صدر اسلام تقلید از اسلوب دیگر تمدن‌ها و فرهنگ‌ها تلقی می‌کند (Mosavi, 2002, p. 348). مسجد از جمله نمونه‌های شاخص معماری و فرهنگ هر کشور است. روبرت هیلن براند<sup>۵</sup> در مقدمه کتاب معماری اسلامی نمی‌تواند از ذکر و جوهر ایمانی و نمادین مسجد به عنوان نماد ایمان و تفکر سازندگان آن و نیز تأثیر آن بر شاخص‌های بصری بنا، چشم‌پوشی کند (Hillenbrand, 1994, p. 4).

از سوی دیگر تأثیر متقابل فرهنگ و هنر ایرانی و سایر تمدن‌ها موضوعی است که بسیاری از صاحب‌نظران و محققان به آن پرداخته‌اند و پوپ نیز به این موضوع اعتقاد داشته است. اما به نظر او همه بناهای ساخته شده در ایران، شخصیت و ماهیت ایرانی دارند. وی معماری ابتدایی دوره تاریخی را اثرپذیر از تمدن‌های دیگر و معماری انتهای دوران پیش از اسلام را اثرگذار بر دیگر نقاط می‌داند. موضوعی که پوپ و بسیاری دیگر از تاریخ‌نگاران

در گذشته معماری هر کشور و تمدن متناسب با قدرت سیاسی، فرهنگی و قدرت نفوذ، بر معماری کشورهای دیگر تأثیرگذار بوده است. ایران از جمله کشورهایی است که از اعصار بسیار دور، جزء تمدن‌های کهن بوده و در دوره‌های مختلف متناسب با شرایط، بر معماری دیگر کشورها و به‌خصوص همسایگان خود تأثیر داشته که البته در اعصار مختلف، قدرت و شدت آن متفاوت بوده است. اگرچه دور از ذهن نیست که ویژگی‌های معماری این کشور با تمدن و غنای بیشتر، بر کشورهای دیگر، تأثیرگذار می‌باشد؛ ولی در مورد دو کشور ایران و آناتولی که خود دو قدرت شاخص محسوب می‌شوند، تعیین این مسأله که معماری کدام کشور بر دیگری تأثیرگذار بوده است، کار آسانی نیست. در این پژوهش سعی بر این است که ویژگی‌های معماری بناهای آرامگاهی ایران و معماری عثمانی (در دوره معین و بناهای معین)، مورد بررسی قرار گیرد تا مشخص شود کدام معماری بر دیگری تأثیرگذار بوده و دلایل این تأثیر نیز مورد بررسی قرار گیرد. دوره زمانی این پژوهش، قرن پنجم هجری قمری مصادف با دوره معماری سلجوقی تا قرن ۱۲ هجری قمری مصادف با اوج شهرت و قدرت حکومت عثمانی می‌باشد که مورد بررسی قرار می‌گیرد. بنابراین ابتدا خلاصه‌ای از شرایط زندگی و حکومت در دوران یاد شده را مرور نموده و سپس به بررسی نمونه‌هایی می‌پردازیم که در آن‌ها تأثیرات فرهنگ، باعث ایجاد تشابهاتی در معماری شده است.

آرامگاه‌ها، بعد از مساجد بیشترین حجم بناهای بازمانده در معماری اسلامی را به خود اختصاص داده‌اند (Grabar, 1999, p. 7). بدون تردید این بناها به استثنای مسجد که بیشتر از هر نوع معماری در ایران دوره اسلامی مورد توجه عام بوده است، به نام‌های مختلفی همچون برج، گنبد، بقعه و مزار نیز معروف شده‌اند (Hillenbrand, 2000, p. 65). ساخت این بناها که از سده چهارم ه.ق. به بعد، با پدید آمدن سلسله‌های مختلف محلی در شرق و شمال ایران رواج یافت، طی دوره‌های بعدی اسلامی تداوم یافت. آرامگاه‌های برجی شکل از عمده‌ترین و رایج‌ترین نوع آرامگاه‌های ایران دوران اسلامی محسوب می‌شود. هر چند در اوایل دوران اسلامی ساخت مقابر در قالب چهارضلعی نمایان گشت، لکن در اواخر قرن چهارم ه.ق. مقابر برجی شکل بر آن برتری یافت. گنبد قابوس به تاریخ ۳۹۸ ه.ق. (۱۰۰۷ م.) نخستین بنای باقی مانده از مقابر برجی شکل ایران است که به‌عنوان الگویی برای سایر مقابر با نقشه‌های دایره و یا ستاره شکل شناخته می‌شود (Meshkati, 1970, p. 189).

## ۲. پیشینه تحقیق

معماری به‌عنوان یک پدیده اجتماعی از فرهنگ نشأت گرفته و بر آن تأثیر می‌گذارد و آینه‌ای است از اندیشه‌های

مرو، نیشابور، هرات و ری اهمیت بیشتری کسب نموده و این شهرها مرکز تجمع صاحبان هنر و پیشه شد. کرسیتین ویلسن می‌نویسد: «در این عصر، صنایع و معماری نه تنها در ایران تجدیدحیات یافت، بلکه با فتوحات سلاجقه، اصول و اسلوب صنایع ایران تا سواحل مدیترانه و حتی شمال افریقا بسط و گسترش یافت و به همین دلیل و کیفیت است که آثار و نمونه‌های شیوه کار هنرمندان ایرانی و صنایع رایج عصر سلجوقی تا قرن‌ها در صنایع مصر و سوریه دیده می‌شد (Wilson, 1938, p. 142). در این زمان ایران در معماری خود به عناصر و عواملی دست می‌یابد که بتوان با آن‌ها به ساختن مسجد بزرگی که دارای حیاط مرکزی و چهار ایوان در اطراف آن، اقدام نمود و سپس، اساس معماری مذهبی، کاروانسرا و مدرسه سازی ایران را تشکیل می‌دهد (Nasiri Ansari, 1971, p. 161). در بناهای سلجوقی آجر به شیوه بسیار ماهرانه و به گونه‌های مختلف به کار رفته است و مطابق رسم آن زمان سطوح خارجی بنا بدون هیچگونه پوشش اضافی، با همان نماسازی آجری عرضه شده است و تزیینات جزئی از معماری و عناصر بکار رفته در آن را تشکیل می‌دهد. البته قابل ذکر است که هنر آجرتراشی و تزیین ابنیه به‌وسیله آجرهای تراشیده از قرن پنجم هجری در ایران معمول بوده و تا اواخر قرن ششم راه تکامل را پیموده است (Behnam, 1963, p. 4). یکی از مشخصات معماری سلجوقی، ایجاد کتیبه و خطوط تزیینی از آجر تراشیده (با برآمدگی و فرورفتگی) است که در اکثر بناهای این زمان دیده می‌شود. بعد از تبدیل خط کوفی به خط نسخ، نحوه تراشیدن آجر و تشکیل حروف و کلمات با دشواری مواجه شده و بالاخره گچبری جایگزین می‌شود (Nasiri Ansari, 1971, p. 162)؛ به‌طوری‌که بعد از آن زمان، محراب‌ها و دیوارها با طرح‌های برجسته گچ‌بری تزیین می‌شوند.

#### ۴-۲- سلجوقیان در آناتولی

با شکست سلجوقیان ایران به دست خوارزمشاهیان در سال ۵۳۶ هجری قمری، گرچه دولت خوارزمشاهیان (۴۷۰-۶۲۸ هجری قمری) گسترش یافت، اما به زودی با شروع حملات مغول‌ها ناپایدار شد. اولین حملات مغول‌ها در سال ۶۱۶ هجری قمری به قلمرو خوارزمشاهیان منجر به بی‌ثباتی خراسان و دیگر مناطق ایران شد. در این حملات خراسان، مهم‌ترین مرکز علم و ادب و هنر، بیش از هر جای دیگری آسیب دید و همین امر سبب کوچ بسیاری از ادبا و هنرمندان ایرانی به سرزمین آسیای صغیر شد. آسیای صغیر در آن دوره تحت حکومت شاخه‌ای از سلجوقیان به نام سلجوقیان روم (۴۷۰-۷۰۰ هجری قمری) بود. سلجوقیان، ورای مرزهای ایران، سنگ بنای ایجاد دولتی ترک را در آسیای صغیر نهادند. آنان نزدیک به سه سده در بخش گسترده‌ای از آناتولی حکومت کردند؛ گستره‌ای که اقوام گوناگونی را دربرمی‌گرفت. از هم‌نشینی

هنر و معماری ایران به آن اعتقاد داشته‌اند، تعامل فرهنگ و هنر ایران و دیگر تمدن‌ها می‌باشد. اگرچه پوپ همواره بر ویژگی‌های بومی هنر ایران تأکید می‌کرد (Pope, 1987, p. 60).

عواملی مانند مهاجرت گسترده ایرانیان به آسیای صغیر، و حضور رجال و دانشمندان ایرانی که دولت سلجوقی به آنان سخت محتاج بود، به گرایش هرچه بیشتر بزرگان سلجوقی به فرهنگ ایرانی مدد رسانید. یافته‌های این تحقیق بر این نکته تأکید دارد که ایرانیان به همراه خود فرهنگ، آداب و رسوم و نشانه‌های بارزی از علم و هنر و دانش رایج در ایران عصر سلجوقی را رواج دادند و آثار علمی و هنری و ادبی بسیاری خلق کردند. در این میان، تعامل میان ایرانیان و حاکمان سلجوقی روم و شرایط مناسب فراهم شده توسط آنان نیز زمینه را برای رشد و شکوفایی فرهنگ ایرانی ایجاد کرد (Hasani & Taghvae, 2010, p. 104).

#### ۳. روش تحقیق

در طبقه‌بندی تحقیق بر مبنای ماهیت و روش، روش تحقیق پیش‌گرفته در این پژوهش، روش تحقیق تاریخی-تفسیری<sup>۶</sup> و از طریق مطالعه تطبیقی می‌باشد که این روش تحقیق، در واقع فعالیتی برای شناخت واقعیت‌های گذشته است. این تحقیق وقایع مربوط به گذشته را مورد تعبیر و تفسیر و ارزیابی قرار می‌دهد. روند انجام مطالعات با استفاده از روش تحقیق کیفی<sup>۷</sup> است که ماهیت کاملاً تفسیری دارد. پژوهش از یک حوزه نظری و از یک حوزه مطالعه موردی<sup>۸</sup> تشکیل شده است که پس از طی مقدمات و سابقه موضوع و استخراج مطالعات تاریخی، پژوهش ادامه می‌یابد. جامعه آماری این پژوهش، سه نمونه بنای آرامگاهی عصر سلجوقی رم در سرزمین آناتولی می‌باشد که در سه شهر ارزروم، قیصریه و نیقده قرار گرفته‌اند. روش نمونه‌برداری، به‌صورت انتخابی و از میان بناهای آرامگاهی می‌باشد که بیشترین تأثیر را از معماری سلجوقی ایران گرفته‌اند. در این پژوهش بناها از نظر کارکرد و یا سازه مورد بررسی قرار نمی‌گیرد و در واقع به دنبال تأثیر فرهنگ و تبادل فرهنگی بر شکل معماری می‌باشد.

#### ۴. مبانی نظری

جهت بررسی ویژگی‌های مشترک بین بناهای آرامگاهی در ایران و آناتولی لازم است ابتدا شرایط سیاسی و اجتماعی دو کشور در زمان سلجوقیان مورد بررسی قرار گیرد تا بهتر بتوان منشا اشتراکات معماری را مورد مطالعه قرار داد.

#### ۴-۱- سلجوقیان در ایران

سلسله ترکان سلجوقی در آغاز قرن پنجم هجری قمری تأسیس شد. سلاجقه در ایران و آسیای صغیر و عراق همیشه حامی و مروج صنایع و فنون بوده‌اند (Zaki, 1941, p. 11). در دوران سلطنت این خاندان، شهرهای اصفهان،

براساس عناصر هنری و فرهنگی ایران به خصوص سبک خراسان در شهرهای قونیه، قیصریه، ارزروم و غیره شکل بگیرد و شاهد شکوفایی و گسترش این سرزمین در تمام ابعاد فرهنگی و تداوم سبک هنری تزئینی خراسان باشیم.







#### ۴-۳- بناهای آرامگاهی در عصر سلجوقی رم

در اینجا به منظور مطالعه این تأثیر، به بررسی سه نمونه از بناهایی آرامگاهی و یادمانی پرداخته می‌شود. از میان بناهای آرامگاهی در سرزمین آناتولی، آرامگاه خنده خاتون در ارزروم، آرامگاه دوار در قیصریه و آرامگاه خداوند خاتون در نیقده انتخاب شده است.

آنان، تمدنی سربرآورد و دولتی که آن را با نام سلاجقه روم باز می‌شناسیم. سلاجقه دولتی دوستدار فرهنگ و هنر بود؛ نظامی که با اجرای سیاست تسامح، در گستره خود فرصت و رخصت باروری فرهنگ و هنر را پدید آورد. اما شاید بتوان معماری این دوره را به‌عنوان شاخص‌ترین نمود این دولت معرفی کرد.

ثروت و قدرت سلاجقه روم در این دوره تاریخی، آن‌ها را در شمار مهم‌ترین حامیان هنرمندان و بانی ساخت بناهای مهمی از جمله مساجد، مدرسه‌ها، قصرها، قلعه‌ها، بیمارستان‌ها، رباط‌ها، خانقاه‌ها و غیره در شهرهای قونیه، سیواس، قیصریه، ارزروم، دیار بکر و غیره در می‌آورد. حضور هنرمندان ایرانی باعث شد تا شاکله هنری آن‌ها

جدول ۱: مشخصات بناهای آرامگاهی مورد مطالعه

نام بنا	شهر	سال ساخت	حجم	پلان
آرامگاه خنده خاتون Hande Hatun	ارزروم	۱۲۵۳ یا ۱۲۹۰ م. (۶۵۰ یا ۶۸۹ ه.ق.)		
آرامگاه دوار Döner Kümbet	قیصریه	۱۲۷۶ م. (۶۷۴ ه.ق.)		
آرامگاه خداوند خاتون Hüdâvend Hâtun Kümbeti	نیقده	۱۳۱۲ م. (۷۱۱ ه.ق.)		

بخشی از دیوار مدرسه نیز هست، فروریخته است. یک باند با نقوش هندسی دورتادور زیر کتیبه را پوشش داده است. سقف مخروطی آن به بخش‌هایی تقسیم شده است که با طاق با عمق کم تزئین شده و با مقرنس کامل شده است؛ سازنده آرامگاه ناشناخته و همچنین تزئینات آن نیز مانند مدرسه ناتمام مانده است (Sinclair, 1989).

#### ۴-۳-۱-۱-۳-۴ بررسی ترکیب حجمی

آرامگاه خنده خاتون، برج استوانه‌ای شکل است که در بخش بالای آن، با گنبد رک مخروطی پوشانیده شده است. بدنه برج توسط قوس‌های نیم دایره پایه بلند، به ده بخش تقسیم شده است. همان تقسیم‌بندی دوازده‌گانه، در گنبد آرامگاه نیز دیده می‌شود. در جداره پیرامونی برج، به‌صورت یک در میان، پنجره قرار گرفته است؛ به‌طوری‌که در هر نما دو پنجره وجود دارد. یک پنجره کوچک در زیر طاق و پنجره‌ای پایین‌تر که با مقرنس تزئین شده است. چنین

#### ۴-۳-۱- آرامگاه خنده خاتون در مدرسه سفته منارعلی

مدرسه منارعلی در ارزروم بزرگترین مدرسه در آناتولی می‌باشد (Aslanapa, 1971) و به‌عنوان مدرسه خاتونیه<sup>۱</sup> مشهور است؛ که به خنده خاتون، دختر سلطان علاءالدین کیقباد (۱۲۲۰-۱۲۳۶ م)، منسوب است و نیز به پادشاه خاتون، (۱۲۹۱-۱۲۹۵ م) نسبت داده شده است. که این دو نسبت دو تاریخ مختلف ۱۲۵۳ یا ۱۲۹۰ را برای ساخت آن بیان می‌کند. با این حال، احتمال بیشتری دارد که مدرسه قبل از زوال دولت سلجوقی در ارزروم، در ۱۲۷۷ میلادی (۶۷۵ ه.ق.) تکمیل شده باشد و بعد از مدرسه قوک در سیواس در ۱۲۷۱ میلادی (۶۶۹ ه.ق.) ساخته شده باشد (Rogers, 1965). مدرسه در دو طبقه، با چهار ایوان، ساخته شده است. آرامگاه ده ضلعی در بخش جنوبی، پشت پلان مستطیلی، قرار گرفته است. اما قسمتی از دیوار آن که

تقسیم‌بندی در اضلاع، در گنبد کاووس (ساخته شده در سال ۱۰۰۷ م. و یا سال ۳۹۷ ه.ق.) در گرگان دیده می‌شود که در آن ده پاپیل گرداگرد استوانه آرامگاه را احاطه کرده است و گنبد آن نیز به صورت رک اجرا شده است.

شکل ۳: پلان دوازده وجهی برج مهماندوست دامغان



(Bozorgnian, 2007)

شکل ۲: گنبد کاووس، گنبد رک بنای گنبد کاووس



(Bozorgnian, 2007)

شکل ۱: ارزروم، آرامگاه خنده خاتون



(Rogers, 1965)

بناهای آرامگاهی دائره‌المعارف بناهای تاریخی ایران، اولین گنبد‌های مخروطی و رک در بناهای آرامگاهی ایران محسوب می‌شوند (Bozorgnia, 2007, p. 39). مقابر باقی مانده در خطه مازندران با پلان‌های مختلف، نشانگر الگوی معماری آرامگاه‌های دوره تیموری هستند. ساخت این نوع مقابر با پلان هشت ضلعی و گنبد رک در دوره‌های قبل از قرن هشتم ه.ق. و در مناطق مختلف ایران رایج بوده و مشخص است که این شیوه معماری ادامه مقبره‌سازی دوره‌های قبل در ایران بوده است و بعد از این دوره نیز ادامه پیدا می‌کند.

#### ۴-۳-۱-۲- بررسی تزیینات

در واقع می‌توان گفت همه تزیینات بنا به نوار زیر گنبد خلاصه می‌شود. این نوار به چند بخش تقسیم می‌شود. بخش‌هایی از آن مشابه تزیینات محراب اولجایتو مسجد جامع اصفهان می‌باشد. در پایین‌ترین بخش نوار زیر گنبد، طره باریکی با بافت هفت و هشت کار شده است و مشابه طره اطراف قوس محراب اولجایتو می‌باشد که البته با شکل بازتری کار شده است. طره بالایی نوار تزیین شده دارای طرح بسیار آشنا در آجرکاری‌های عصر سلجوقی در ایران می‌باشد که نمونه آن در آجرکاری برج خرقان دیده می‌شود.

از شکل گنبد رک، جهت مقابر سلاطین و امرای دوره سلجوقی نیز بسیار استفاده شده است. گنبد رک در کرانه دریای خزر بسیار مورد استفاده قرار گرفته است و می‌توان بیان کرد که در این کرانه، بیش از سایر مناطق ایران گنبد رک وجود دارد. دلیل نخست آن که این گنبد از لحاظ اقلیمی، بهتر از گنبد‌های نار برای این منطقه است، زیرا نزولات جوی را سریعتر و بهتر از گنبد نار از ساختمان دور می‌کند و دلیل دیگر آن که شباهت زیادی به بام‌های شیبدار اهالی منطقه دارد (Hadi, 2013, p. 6).

محل پیدایش گنبد رک را می‌توان منطقه شمال ایران دانست (Arianam Consulting Engineers, 2008, p. 78). گنبد امامزاده محمد (۷۰۳ ه.ق.) و گنبد غازان خان (۶۷۰ - ۷۰۳ ه.ق.) هر دو از گونه رک هستند (Pirmia, 2008, p. 229). یکی از مراکزی که گنبد‌های رک فراوانی از قرون ۸ و ۹ هجری قمری، را در خود جای داده است، استان مازندران است که اکثر آن‌ها متعلق به امامزادگان هستند. این ابنیه در گستره جغرافیای غرب تا شرق مازندران و در حوزه اقلیمی کوهستانی، جنگلی و جلگه‌ای قرار دارند. مقبره‌ها به بخشی از تاریخ سیاسی و مذهبی منطقه به‌ویژه در قرن ۸ و ۹ هجری قمری اشاره می‌کنند و در اسناد مختلف به صورت کلی نام و نشانی از آن‌ها آمده است (Rami, 2011, p. 76). بنابر گزارش آمده در کتاب

شکل ۶: خرقان، برج خرقان



(www.arianica.com)

شکل ۵: اصفهان، محراب اولجایتو مسجد جامع اصفهان



(Shekofte, Ahmadi, & Oodbashi, 2015)

شکل ۴: ارزروم، تزیینات آرامگاه خنده خاتون



(Rogers, 1965)

اسلام تفاوت‌های قابل توجه‌ای دارد. موسوی، کاربرد مقرنس در پیش از اسلام شامل دو دوره عمده یعنی ۲۵۰ قبل از میلاد تا ۲۲۴ بعد از میلاد و از ۲۲۴ بعد از میلاد تا زمان ظهور اسلام دانسته است. البته ذکر این نکته لازم است که نمونه‌هایی نیز مربوط به ۵۵۰ قبل از میلاد در این زمینه یافت شده است (Groter, 1996, p. 13).

شکل ۸: مراغه، گنبد کبود



مقرنس کاری باریک زیر گنبد، از جمله تزییناتی است که در زمان سلجوقیان ایران در بخش بالایی مناره‌ها (مانند برج مهماندوست دامغان) و نیز در بخش زیر گنبد (مانند گنبد کبود مراغه) اجرا می‌شده است. لازم به ذکر است مقرنس عنصر تزیینی است که پیش از اسلام نیز در ایران بوده است؛ اما مقرنس پیش از اسلام با مقرنس پس از

شکل ۷: ارزروم، تزیینات آرامگاه خنده خاتون



استوانه است. پایه آن به شکل مربع است که توسط پله دوطرفه به درگاه ورودی ختم می‌شود. برج مهماندوست دامغان دارای دوازده ترک می‌باشد، ولی از نظر تناسب نسبت به برج دوار، کشیدگی بیشتری دارد. در آناتولی فقدان برج‌های بلندی با دو تا سه برابر این ارتفاع (همانند آنچه در ایران وجود دارد)، قابل توجه است که بخشی از دلیل آن تأکید خاصی است که در آناتولی به نمای خارجی سرداب معطوف شده در حالی که در بسیاری از برج مقبره‌های ایرانی به هیچ وجه سرداب وجود ندارد یا اگر هست، زیر زمین قرار داده شده است (Hillenbrand, 2000, p. 307). شکل گنبد آرامگاه دوار به صورت رک می‌باشد که مشابه گنبد کاووس و گنبد برج مهماندوست، (گنبد رک مخروطی) بوده که اکنون فروریخته است، می‌باشد (Aslanapa, 1971).

۴-۳-۲- آرامگاه دوار<sup>۱۰</sup> در قیصریه

دونر کمبت، به معنای واقعی کلمه آرامگاه دوار، در سه ماهه آخر سال از قرن سیزدهم برای شاهزاده خانم شاه سیهان<sup>۱۱</sup> خاتون ساخته شده بود. سنگ مرمر کوتاه نام او را نشان می‌دهد، اما تاریخ آن حذف شده است. از روی شباهت سبکی به مقبره‌های در احلاط<sup>۱۲</sup>، می‌توان تشخیص داد که آرامگاه در حدود سال ۱۲۷۶ میلادی (۶۷۴ ه.ق.) ساخته شده است. این یکی از مقبره‌های قابل توجه و تزیین شده در قیصریه است (Akurgal & Léo, 1980).

۴-۳-۲-۱- بررسی ترکیب حجمی

شکل خارجی آرامگاه، دوازده ضلعی و در داخل به شکل

شکل ۱۱: دامغان، پلان دوازده وجهی برج مهماندوست



(Bozorgnia, 2007)

شکل ۱۰: گنبد کاووس، گنبد رک بنای گنبد کاووس



(Bozorgnia, 2007)

شکل ۹: قیصریه، آرامگاه دوار



(Akurgal, & Léo, 1980)

باند نقوش هندسی و کتیبه مقرنس تزیین شده است. از جمله تزیینات روی بدنه، شکل هندسی ستاره دوازده پر می‌باشد. در بناهای سلجوقی ایران، استفاده از فرم ستاره دوازده پر، با صورت‌های مختلف مورد استفاده قرار گرفته است. از جمله در تزیینات آجری بدنه ایوان شاگرد، ایوان

۴-۳-۲- بررسی تزیینات

هر یک از دوازده ترک آرامگاه، با نقوش برجسته گل و نقوش هندسی با صفحات اضافه شده شامل گیاهان و حیوانات، از جمله دو اژدها و یک عقاب دو سر، حکاکی شده است. محل اتصال بدنه دوازده وجهی به سقف مخروطی، با دو

دیگر ستاره دوازده پر به صورت آجرکاری، بر بدنه برج خرقان نیز وجود دارد. و نیز آجرکاری جداره مسجد جامع گناباد نیز با نقش هندسی مشابه کار شده است.

شرقی مسجد جامع اصفهان دیده می‌شود. همچنین ترکیب بندی سقف شبستان سلجوقی، جبهه غربی مسجد جامع اصفهان دارای نقش ستاره دوازده پر است. از سوی

شکل ۱۵: گناباد، مسجد جامع



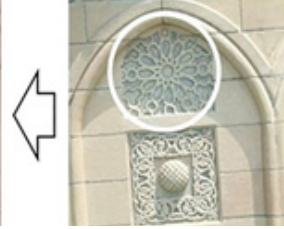
شکل ۱۴: خرقان، برج



شکل ۱۳: اصفهان، صفا شاگرد مسجد جامع اصفهان



شکل ۱۲: قیصریه، آرامگاه دوار



(www.arianice.com)

(www.arianice.com)

(www.Gonabadnews.com)

(Akurgal, & Léo, 1980)

دوسر می‌باشند. این نقش در تزیینات پارچه‌های اوایل دوره سلجوقیان ایران، ۴۳۱-۵۹۰ هجری قمری (۱۰۴۰-۱۱۹۴ م.)، نیز به وفور دیده می‌شود<sup>۱۴</sup> (Khazaei, 2007, p. 44). نقش گلدان بر روی بدنه، بر روی حجاری‌های سنگی کتیبه ایوان جنوبی مسجد جامع اصفهان البته به صورت خلاصه دیده می‌شود.

از نقوش حیوانی که بر بالای سردر آرامگاه مشاهده می‌شود، نقش عقاب دو سر می‌باشد که از آن گاهی هم به عنوان نشان سلجوقیان یاد می‌شود. نقش عقاب دوسر در هنرهای ایران، بیش از هر دوره‌ای در نقوش پارچه‌های بسیار نفیس ابریشمی دوره آل بویه (۳۲۰ ه.ق. - ۴۵۴ ه.ق.)<sup>۱۳</sup> (۹۳۲-۱۰۶۲ م.)، دیده می‌شود. این پارچه‌ها دارای نقوش بسیار متنوعی از جمله نقش عقاب

شکل ۱۸: ری، نقش عقاب شکل ۱۹: اصفهان، کتیبه سنگی ایوان جنوبی مسجد جامع سلجوقیان، (۴۳۱-۵۹۰ ه.ق.)



(www.arianice.com)



(Khazaei, 2007)

شکل ۱۷: ری، نقش عقاب دو سر، پارچه دوره آل بویه (۳۲۰-۴۵۴ ه.ق.)



(Khazaei, 2007)

شکل ۱۶: قیصریه، آرامگاه دوار

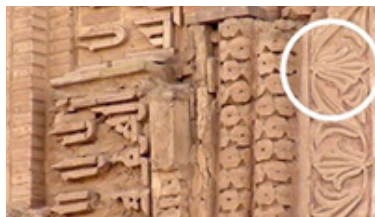


(Akurgal & Léo, 1980)

اسلامی اشاره می‌کند که معماری بناهای آرامگاهی آناتولی از مقابر ایرانی الگوبرداری کرده‌اند تا جایی که معماران آن‌ها قانع به این بودند که شکل‌های آجری ایرانی حتی تزیینات آجری و گچی را بدون کوچکترین تغییراتی به سنگ برگردانند (Hillenbrand, 2000, p. 297). ترکیب بندی هندسی دیگری که بر روی بدنه آرامگاه دیده می‌شود، یادآور تزیینات کاشیکاری ورودی اصلی مسجد جامع اصفهان می‌باشد.

طره حجاری شده از گل در اطراف درب ورودی، مشابه طره گچبری محراب اولجایتو در مسجد جامع اصفهان است. همچنین در طره کنار ایوان مسجد جامع گناباد هم این نقش قابل مشاهده است. از سوی دیگر، نقش طره حجاری شده از گل در نوار زیر گنبد، مشابه طره کاشی کاری بدنه منار گچبری محراب اولجایتو در مسجد جامع اصفهان است؛ با این تفاوت که با سنگ اجرا شده است. در تایید این حرف هیلن براند در کتاب معماری

شکل ۲۲: مسجد جامع گناباد



(www.gonabadnews.com)

شکل ۲۱: محراب اولجایتو مسجد جامع اصفهان



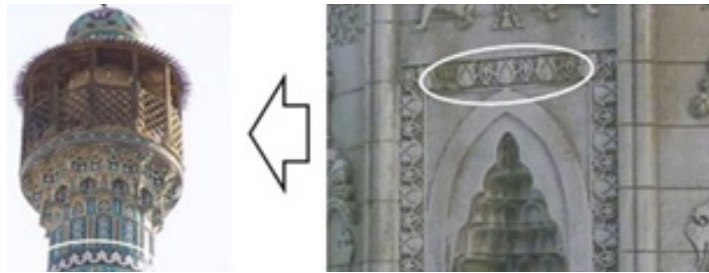
(www.arianica.com)

شکل ۲۰: قیصریه، آرامگاه دوار



(Akurgal, & Léo, 1980)

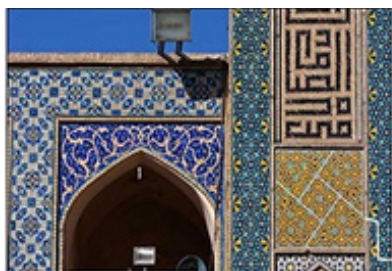
شکل ۲۳: قیصریه، آرامگاه دوار شکل ۲۴: اصفهان، منار ایوان جنوبی مسجد جامع



(www.arianica.com)

(Akurgal & Léo, 1980)

شکل ۲۷: اصفهان، ورودی اصلی مسجد جامع



(www.arianica.com)

شکل ۲۶: اصفهان، ورودی اصلی مسجد جامع



(www.arianica.com)

شکل ۲۵: قیصریه، آرامگاه دوار



(Akurgal & Léo, 1980)

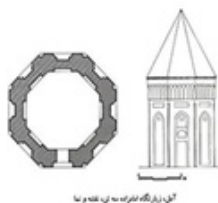
#### ۴-۳-۱- بررسی ترکیب حجمی

بخش پایین مقبره خداوند خاتون، هشت ضلعی است. این مقبره در بخش بالایی با کمک مقرنس کاری مثلثی به شانزده قسمت تبدیل شده است؛ ولی مخروط گنبد آن همچنان هشت ضلعی است. گنبد مخروطی آن همانند گنبد بناهای آرامگاهی موجود در ساری، بابل و آمل، به صورت مخروطی ساخته شده است (امامزاده عباس در ساری، امامزاده سه تن در آمل، امامزاده قاسم در آمل، برج سلطان محمد طاهر در بابل، برج فخر بالاسرست در بابل، برج سلطان زین العابدین در ساری، برج درویش فخرالدین در بابل، از جمله بناهای آرامگاهی با گنبد مخروطی می‌باشند). بدنه برج‌های خرقان نیز هشت ضلعی است که البته در هر گوشه‌ای از بیرون یک پیلک دارد؛ از جمله دیگر برج‌های آرامگاهی هشت ضلعی عصر سلجوقی در ایران برج شبلی دماوند است.

#### ۴-۳-۲- آرامگاه خداوند خاتون

آخرین نمونه‌ای که نشان‌دهنده چگونگی تداوم سبک سلجوقی در اوایل سده هشتم است، آرامگاه شاهزاده خانم سلجوقی، خداوند خاتون، است. سردر ورودی سمت شرقی برج هشت ضلعی با اسلیمی تزیین شده است. تزیین غنی مقبره، آخرین شکوفایی سبک گچبری منقور سلجوقی است (Belser & Jonathan, 2002, p. 343). مقبره خداوند خاتون در زمان ایلخانی مغول، والی سنقر بیگ در سال ۱۳۱۲ میلادی (۷۱۲ه.ق.) در نیقده ساخته شده است. خداوند خاتون دختر قلیچ ارسلان چهارم، یکی از آخرین سلاطین سلجوقی بود. که در این مقبره هشت ضلعی دفن شده است (Şaman Dogan, 2013, p. 126).

شکل ۳۱: پلان هشت وجهی و گنبد مخروطی امامزاده سه تن آمل



(Khazaei, 2007)

شکل ۳۰: دماوند، پلان هشت وجهی برج شبلی



(Bozorgnia, 2007)

شکل ۲۹: خرقان، پلان هشت وجهی برج خرقان



(Bozorgnia, 2007)

شکل ۲۸: نیقده، آرامگاه خداوند خاتون



(Şaman Dogan, 2013)



۴-۳-۲- بررسی تزیینات

سطح این آرامگاه، نقش‌های موجودات اساطیری یونانی بر روی بنای سلجوقی کار شده است. نقش یک عقاب دو سر به‌طور استادانه‌ای بر روی یکی از سطوح آن کار شده است. تزیینات بنا به‌دلیل استفاده از سنگ‌های مختلف و یک نوار از سنگ مرمر، بسیار رنگین است. هر دو نقوش هندسی و گل، بسیار استادانه درست شده است.

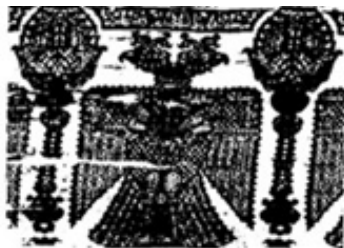
بدنه خارجی مقبره با ستاره‌ها و نقوش مختلف تزیین شده است. این مقبره با توجه به مقبره‌های باستانی در زانت<sup>۱۵</sup>، آدم درنده خو نامیده می‌شود. چرا که با تصاویر ارواح بالدار و موجودات مربوط به عالم اموات تزیین شده است. بر روی

شکل ۳۳: ری، نقش عقاب دو سر  
پارچه دوره آل بویه (۳۲۰-۴۵۴ ق.ه)  
شکل ۳۴: ری، نقش عقاب دو سر  
پارچه دوره سلجوقیان (۴۳۱-۵۹۰ ق.ه)

شکل ۳۲: نیقده، آرامگاه خداوند خاتون



(Khazaei, 2007)



(Khazaei 2007)



(Şaman Dogan, 2013)

سفال‌های دوره سلجوقی، شامل نقش اسب، پرندگان، شیر و سایر حیوانات است. نقش اسفنجکس‌ها، در حاشیه ظروف به کرات دیده می‌شود. غیر از نقش عقاب دو سر، پرنده با سر انسان (یا به عبارت دیگر ارواح بالدار) و اسب بالدار نیز در این تزیینات، مشاهده می‌شود.

در اواخر دوره سلجوقی در ایران، هنر سفالگری به منتهی درجه رشد خود رسید. به‌طور کلی نقوش روی ظروف سفالی این دوره را می‌توان به نقوش انسانی، نقوش حیوانی، نقوش گیاهی و اسفنجکس‌ها، خطوط و نقوش هندسی تقسیم نمود. اشکال حیوانی مورد استفاده بر روی

شکل ۳۷: موزه طارق رجب کویت  
کاسه زرین فام ایلخان  
شکل ۳۸: گالری آرتور ساکالر  
نیویورک، کاسه زرین فام سلجوقی  
شکل ۳۶: کاشان، سفال  
زرین فام خوارزمشاهی

شکل ۳۵: نیقده، آرامگاه خداوند خاتون



(www.saklergallery.com)



(Fehrevari, 2000)



(Abeddost, 2009)



(Şaman Dogan, 2013)

شکل ۴۱: قبرستان ب، اسب بالدار  
بر روی سفال‌های پیش از تاریخ  
شکل ۴۲: موزه برلین، نقش  
تزیینی گریفون در کف  
بشقاب ساسانی

شکل ۴۰: تپه سیلک، گاوبالدار  
بر روی سفال‌های پیش از تاریخ

شکل ۳۹: نیقده، آرامگاه خداوند خاتون



(www.Berlin.de/museum)



(Akbari, 2008)



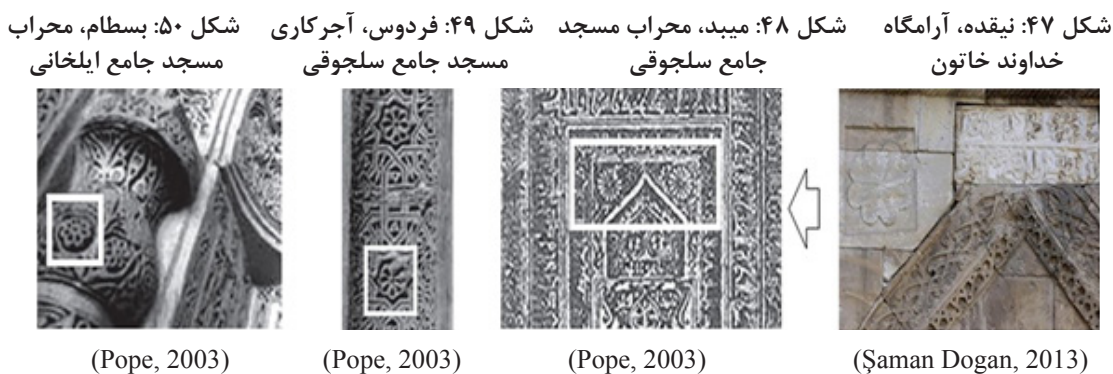
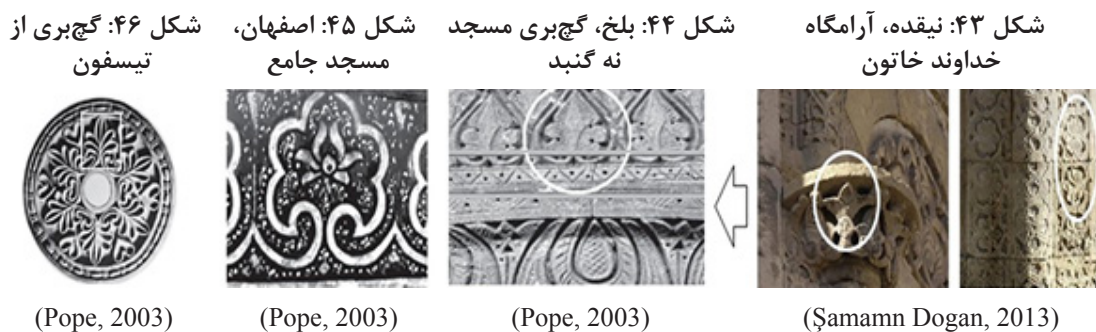
(Akbari, 2008)



(Şaman Dogan, 2013)

و ایلخانی ایران، قبلا ذکر شد. طرح گل چند پر از طرح‌های رایج در بناهای دوران هخامنشی، اشکانی و ساسانی است که کاربرد آن جدا از جنبه‌های تزئینی، وابسته به مفاهیم نمادین مرتبط با آیین‌های کهن ایرانی بوده است. استفاده از این طرح را می‌توان در بناهایی همچون مسجد نه گنبد در بلخ از دوره سامانی، مسجد جامع فردوس، مسجد جامع میبد از دوره سلجوقی، مسجد جامع بسطام از دوره ایلخانی و مسجد جامع نیشابور از دوره تیموری مشاهده نمود.

از جمله طرح‌های تزئینی که در بدنه این بنا زیاد مشاهده می‌شود، طرح برگ کنگری است. این طرح رایج‌ترین طرح تزئینی پس از ورود اسلام به ایران است که ریشه در دوران پیش از اسلام دارد. هنرمندان تزئین کار در دوران اسلامی و به ویژه هنرمندان سه دوره سلجوقی، ایلخانی و تیموری در طرح‌های پیچیده گچ‌بری خود، بسیار زیاد از طرح کنگری استفاده کرده‌اند (Sahafi Asl & Ayatolahi, 2011, p. 76) که نمونه‌های موجود از آن در دوره سلجوقی



## ۵. نتیجه‌گیری

به‌طور کلی در مقایسه بناهای آرامگاهی ایران و آناتولی، چند قسمت، مورد توجه قرار می‌گیرد که عبارت‌اند از: شکل پلان و تعداد اضلاع، نوع سقف (به‌عبارت دیگر شکل گنبد)، ارتفاع بنا، نوع مصالح نما، نوع تزئینات و همچنین اشکال و نقوش تزئینی. با توجه به جدول جمع‌بندی بررسی و مطالعه تطبیقی ویژگی‌های بناهای آرامگاهی، می‌توان چنین نتیجه گرفت:

اغلب مقابر برج مقبره‌ای دوره پیش از عثمانی در آناتولی، از این جهت شکل ایرانی دارند که به شکل یک میله استوانه‌ای یا چند ضلعی با کلاهکی مخروطی یا هرمی‌اند که البته تفاوت‌های اقلیمی و ناحیه‌ای در آن قابل مشاهده است. البته گفته رایس تأیید کننده آن است که مقابر برجی در شکل اولیه خود به‌صورت استوانه‌ای بلند ساخته شده‌اند که بومی مخروطی شکل یا اصطلاحاً رُک آن را می‌پوشاند. این نوع بنا در سه سده بعد هم‌زمان با حکومت سلجوقیان، مبنای یکی از فرم‌های اصلی معماری در ایران

و سپس در آسیای صغیر شد. یکی از تفاوت‌های بین برج مقبره‌های ایرانی و آناتولی در مقوله ارتفاع می‌باشد. اغلب بناهای آناتولی از ۱۰ تا ۱۵ متر ارتفاع دارند. در حالی که تعداد زیادی از برج مقبره‌های ایرانی در این ردیف ارتفاع قرار دارند (تقریباً تمام آن‌هایی که در مازندران ساخته شده‌اند). در آناتولی فقدان برج‌های بلندی با دو تا سه برابر این ارتفاع (همانند آنچه در ایران وجود دارد)، قابل توجه است. به استثنای تعداد معدودی تربت‌ها در سیواس، دیوریچی و دیگر جاها که با آجر کار شده و به گفته هیلن براند، دارای نماهایی از نوع ایرانی هستند و نام استادکاران سازنده را از ازان، مرنند، مراغه و دیگر شهرهای ایرانی بر خود دارند، مصالح به‌کار رفته در بقیه آن‌ها سراسر سنگ است. از سوی دیگر اگرچه استفاده از مقرنس در بناها و به خصوص در لبه زیر گنبد، از ایران الهام گرفته شد، ولی در بناهای آناتولی، در سردر ورودی بنا، شکل منحصر به فردی به خود گرفته که می‌توان گفت تبدیل به شکل مقرنس مختص آناتولی شده است.

جدول ۲: تحلیل ویژگی‌های بناهای آرامگاهی مورد مطالعه

نام بنا		آرامگاه خنده خاتون	آرامگاه دوار	آرامگاه خداوند خاتون
ترکیب حجمی	تعداد اضلاع	۱۰ ضلعی	۱۲ ضلعی	۸ ضلعی
	شکل گنبد	مخروطی	مخروطی	رک
تزئینات	نقوش هندسی	ترکیب شکل‌های شش ضلعی غیرمنتظم	ستاره ۱۲ پر ترکیب مربع و دایره	ترکیب ستاره پنج پر و شش ضلعی
	نقوش گیاهی	-	نقش گلدان پر از گندم نقش برگ کنگری	نقش برگ کنگری نقش گل چند پر
	نقوش انسانی و حیوانی	-	نقش شیر نقش عقاب دوسر	نقش انسان بال‌دار نقش اسب بالدار نقش عقاب دوسر
	کتیبه	-	کتیبه خط ثلث	کتیبه خط ثلث
	مقرنس	حاشیه زیر گنبد سردر ورودی	حاشیه زیر گنبد سردر ورودی	سردر ورودی تبدیل هشت ضلعی پایه به شانزده ضلعی

جدول ۳: بررسی تطبیقی بناهای آرامگاهی مورد مطالعه با نمونه‌های ایرانی

نام بنا		آرامگاه خنده خاتون	آرامگاه دوار	آرامگاه خداوند خاتون
ترکیب حجمی	تعداد اضلاع	۶۵۰ یا ۶۸۹ ه.ق.	۶۷۴ ه.ق.	۷۱۱ ه.ق.
	شکل گنبد	(گنبد قابوس، ۳۹۷ ه.ق.) ۱۰ ضلعی	برج مهماندوست دامغان، ۴۹۰ ه.ق.) ۱۲ ضلعی	(برج خرقان، ۴۶۰ - ۴۸۶ ه.ق.) (برج شبلی، ربع سوم قرن پنجم ه.ق.) ۸ ضلعی
تزئینات	نقوش هندسی	-	ستاره ۱۲ پر برج خرقان (۴۶۰ - ۴۸۶ ه.ق.) مسجد جامع گناباد (۶۰۹ ه.ق.)	-
	نقوش گیاهی	-	نقش گلدان پر از گندم (مسجد جامع اصفهان) نقش برگ کنگری مسجد جامع گناباد (۶۰۹ ه.ق.)	نقش برگ کنگری مسجد جامع گناباد (۶۰۹ ه.ق.) نقش گل چند پر (مسجد جامع میبد، سده دوم) (مسجد جامع فردوس، قرن هفتم ه.ق.)
	نقوش انسانی و حیوانی	-	نقش عقاب دوسر پارچه‌های اوایل دوره سلجوقیان ایران (۴۳۱ - ۵۹۰ ه.ق.)	نقش انسان بال‌دار نقش اسب بالدار نقش عقاب دوسر
	کتیبه	-	کتیبه خط ثلث	کتیبه خط ثلث
	مقرنس	حاشیه زیر گنبد سردر ورودی	حاشیه زیر گنبد سردر ورودی	سردر ورودی تبدیل هشت ضلعی پایه به شانزده ضلعی

نمونه‌های آن اولین بار در ایران مشاهده می‌شود، و از سوی دیگر شکل تزیینات و نشانه‌های به‌کار رفته در بناهای آرامگاهی، نشان از تأثیر معماری و فرهنگ ایرانی بر سرزمین‌های همجوار خود در آناتولی، آذربایجان و عراق دارد. در مجموع حمله مغول به ایران و کوچ هنرمندان به سرزمین سلجوقیان روم و عراق و آذربایجان، نقش مهمی در گسترش و تداوم هنر و معماری ایرانی در این سرزمین‌ها و به ویژه آناتولی داشته است.

به‌طور کلی می‌توان گفت آن مکتب تدفینی که نزدیک‌ترین رابطه را با ایران داشته و در عین حال تا حدی تشخیص خود را حفظ کرده، آناتولی است. مقابر آناتولی به وضوح از یک سنت غنی‌تر از سنت سوری، و قابل احترام‌تر یعنی معماری تدفینی سلجوقی ایرانی رشد کردند که تنها سایه‌ای از خود باقی گذاشته‌اند. همانطور که قبلاً نیز اشاره شد، استفاده از اشکال منظم هندسی و چند وجهی در ساخت بناهای آرامگاهی و همچنین شکل گنبد آن‌ها (گنبد رک و مخروطی) که

### پی‌نوشت

1. Shila Blair
2. Bloom Janathan
3. Grabar
4. Andere Godar

۵. در کتاب ارزشمند «معماری اسلامی» خود به بررسی فنی آثار هنری معماری در جهان اسلام پرداخته شده است.

6. Historical Research
7. Quality Research
8. Case Study
9. Hatuniye
10. Döner Kümbet
11. Sihan
12. Ahlat

۱۳. در سال ۱۳۰۴ هجری شمسی در قبرستان قدیمی و تپه‌های مجاور حرم بی بی شهربانو در ری پیدا شد.

۱۴. برای اطلاع از مفهوم نمادین این نقش نگاه کنید به: هنری کاربن، ارض ملکوت، ترجمه سید ضیال‌الدین دهشیری، تهران، انتشارات طهوری، چاپ سوم، ۱۳۸۳، صص ۴۴-۴۶.

15. Xanthos نام منطقه با فرهنگ یونانی در جنوب غربی ترکیه

## References

- Abeddost, H. (2009). The Survival of Ancient Sphinxes and Harpies in Islamic Art. *Negare*, (13). 81-91.
- Akbari, A. (2008). Investigation of the Origin of Animal Motifs of Silk Hill Pottery. *Naghsh maye*, (19).
- Akurgal, E., & Léo, H. (1980). *The Art and Architecture of Turkey*. New York: Rizzoli.
- Arianam Consulting Engineers. (2008). Khadijeh Khatoon Shrine Restoration in Ghom.
- Aslanapa, O. (1971). *Turkish Art and Architecture*. New York: Praeger Publishers.
- Behnam, E. (1963). Red Dome of Maragheh. *Honar va Mardom*, Tehran, 8.
- Blair, Sh., & Jonathan, B. (2002). *The Art and Architecture of Islam 1250-1800*.
- Bozorgnia, Z. (2007). *Tomb in Iran*. Memar, Tehran, 42.
- Fehravari, G. (2000). *Ceramics of the Islamic Worlds in the Tareq Rajab Museum*. Tauris.
- Grabar, O. (1999). *The Earliest Islamic Commemorative Structures*. Notes and Documents. *Ars orientalis*, VI.
- Groter, Y. (1996). *Aestheticism in Architecture*. (Jahanshah Pakzad). Tehran: Shahid Beheshti University.
- Hadi, A. (2013). *Research on the Causes of the Emergence and Typology of Rok Dome in Iran*. Holly Shrines International Congress. Isfahan University.
- Hasani, A., & Taghvaei, F. (2010). *Iranian Brokers in the Rom Seljuq Office*. Maskoeye. Tehran, 3.
- Hillenbrand, R. (1994). *Islamic Architecture: form Function and Meaning*. New York: Colombia University Press.
- Hillenbrand, R. (2000). *Temple of Islamic Architecture in Iran*. Tehran: Samt.
- Khazaei, M. (2007). The Presence of Iranian Decorative Elements in the Process of Forming the Architecture of the Seljuk Architecture of Asia Minor in Seventh Century AH. *Ketab\_e\_Mah\_e\_Honar*, Tehran, 103-104.
- Meshkati, N. (1970). *List of Iranian Monumenta and Summer Places*. Iranian Antiquities Organization, Tehran.
- Mosavi, Z. (2002). Mogharnas in Architecture. *Ketab\_e\_Mah\_e\_Honar*, 45-46.
- Nasiri Ansari, M. (1971). *A Review of Iran Architecture*. Tehran: Press of Honarsarai ali.
- Pirmia, M. (2008). *Stylistics*. Tehran: Sorosh e Danesh.
- Pope, A. (1987). *Iran Architecture Win a Shapes and Color*. (K. Afsar, Trans.). Yasavoli.
- Pope, A. (2003). *Survey in Persian art from Prehistoric time to Present*. Edited by Phyllis Ackerman, Oxford University Press, I, London.
- Rami, H. (2011). Exploring and Studying the Towers-the Tomb of the 8th and 9th Centuries in Mazandaran; Case Study: Shams Al Rasool Shrine in Amol. *Maremat e Asar va Bafthaye Tarikhi va Farhangi*, Tehran, (2).
- Rogers, J.M. (1965). *The Çifte Minare Medrese at Erzurum and the Gök Medrese at Sivas*. *Anatolian Studies*.
- Sahafi ASL, P., & Ayatolahi, H. (2011). Investigation of the Continuity of the Ancient Persian Architectural Elements in Islamic Architecture of Iran until the End of the Safavid Period. *Negareh*, Tehran. (19).
- Şaman Dogan, N. (2013). Niğde'deki Türk Dönemi (13-15. Yüzyıl) Yapılarında Taç Kapı-Mihrap Tasarımı ve Bezeme İlişkisi. *Edebiyat Fakültesi Dergisi. Journal of Faculty of Letters, Cilt*, Haziran, 30(1).
- Shekofte, A., Ahmadi, H., & Oodbashi, O. (2015). The Brickwork of the Seljuks and its Continuity in the Decorations of the Kharazmshahi and Ilkani Era. *Journal of Researches in Islamic Architecture*. Iran University of Science and Technology. Tehran, 3(6).
- Sinclair, T.A. (1989). *Eastern Turkey: an Architectural and Archaeological Survey*. London: The Pindar Press II.
- WWW. Arianica.com, Accessed on 23.09.2014.
- WWW. Gonabadnews.com, Accessed on 23.09.2014.
- WWW. Freersackler.si.edu/collections-area/islamic/, Accessed on 23.09.2014.
- WWW. Smb.museum/en/museums-institutions/vorderasiatisches-museum/collection-research, Accessed on 15.08.2014.
- Wilson, Ch. (1938). *History of Industries*. (A. Feriar, Trans.). Tehran: Yavasoli.
- Zaki, M.H. (1941). *Iranian Industries after Islam*. (M.A. Khalili, Trans.). Tehran.

